



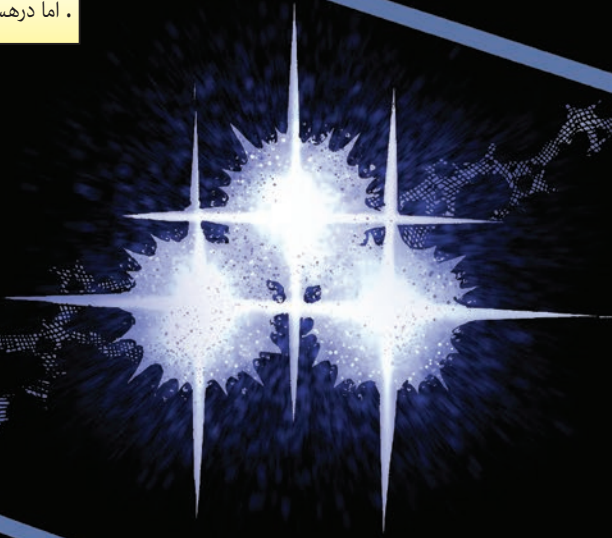
پدايش





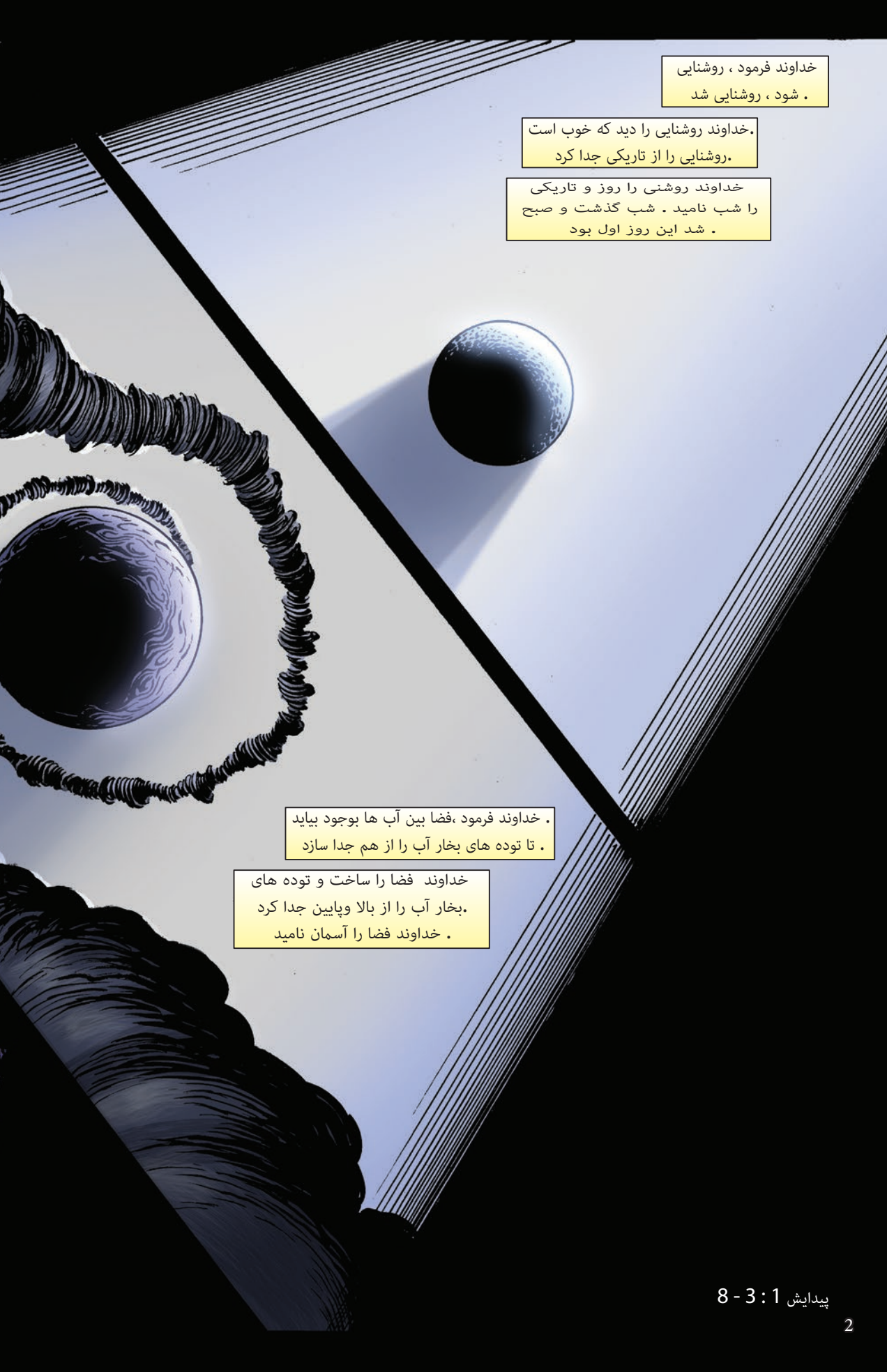
در آغاز حتی قبل از به وجود آمدن
زمان، خداوند وجود داشت

او درسه شخص باهم مساوی
اما درهستی و وجود واحد بود



خداوند تنها نبود ، او با خود درهم
، آهنگی محبت مشارکت داشت

خداوند بود که زمین و آسمان { بهشت } را خلق کرد



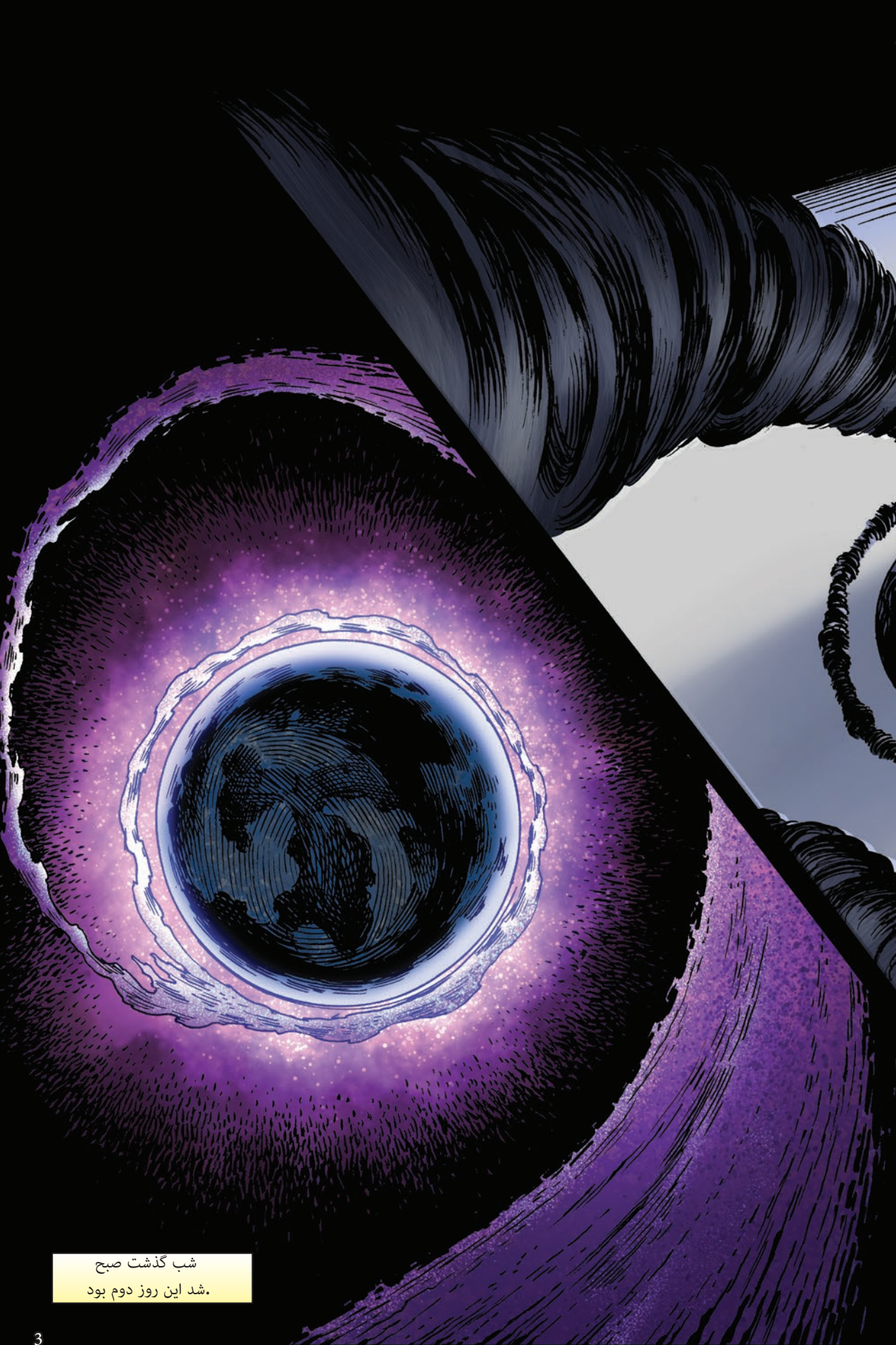
خداوند فرمود ، روشنایی
شود ، روشنایی شد

خداوند روشنایی را دید که خوب است
روشنایی را از تاریکی جدا کرد

خداوند روشنی را روز و تاریکی
را شب نامید . شب گذشت و صبح
شد این روز اول بود

خداوند فرمود ، فضا بین آب ها بوجود بیاید
تا توده های بخار آب را از هم جدا سازد

خداوند فضا را ساخت و توده های
بخار آب را از بالا و پایین جدا کرد
خداوند فضا را آسمان نامید



شب گذشت صبح
شد این روز دوم بود



خداوند فرمود ، آب های زیرآسمان
در یک جا جمع شوند تا خشکه پدید آید

و چنین شد خداوند خشکه را زمین
و آبهای جمع شده را بحر نامید

،خداوند آنرا دید که خوب است

سپس خداوند فرمود انواع نباتات و گیاهان
دانه دار و درختان میوه دار در زمین برویند و هریک
نوع خود را تولید کنند ، همینطور شد



زمین سبزیجات ، نباتات دانه
دار و درختان میوه را حاصل داد
. وهرکدام انواع خود را به بارآورد

،خداوند این را دید که خوب است

شب گذشت و صبح
شد این روز سوم بود

، در روز چهارم هفته خلقت خداوند آفتاب ،
مهتاب ، و ستارگان را آفرید - یک جهان بیکران .

خداوند فرمود ، در آسمان اجسام درخشانی بوجود
آیند تا زمین را روشن کنند و روز را از شب
جدا نمایند و روزها فصل ها و سال ها را پدید آورند

- چنین شد . خداوند دو روشنایی بزرگ ساخت
روشنایی بزرگتر برای حکومت بر روز و کوچکتر برای
حکومت بر شب . او همچنان ستارگان را ساخت



خداوند آنها را در آسمان قرارداد تا زمین را روشن سازند
و برشب وروز حکومت کرده روشنی را از تاریکی جدا گردانند

. خداوند این را دید که خوب است

شب گذشت و صبح شد این روز چهارم بود



در روز پنجم هفته خلقت ، خداوند
بحر را از موجودات زنده پر کرد

خداوند فرمود ، آنها از موجودات زنده پر شوند
و پرندگان در فراز آسمان به پرواز درآیند

خداوند حیوانات بزرگ دریایی و انواع جانوران آبی
را آفرید تا با تولید مثل ، از انواع خود آب را پر
سازند. انواع پرندگان را خلق
کرد تا انواع خود را تولید کنند



. خداوند این را دید که خوب است

خداوند آنها را برکت داده فرمود، موجودات
دریایی بارور و زیاد شوند و آبها را
. پراسازند. و پرندگان نیز روی زمین زیاد شوند

شب گذشت و صبح

. شد این روز پنجم بود

خداوند در روز ششم حیوانات روی
خشکه یا زمین را خلق کرد.

خداوند فرمود ، زمین انواع حیوانات اهلی و وحشی
را بوجود آورد. خداوند تمام حیوانات اهلی
و وحشی و خزندگان را خلق کرد





و چنین شد .

به این ترتیب خداوند تمام انواع حیوانات
وحشی و انواع حیوانات اهلی و انواع
خزندگان روی زمین را خلق کرد

خداوند این را دید که خوب است .

پیدایش 1: 2-1

خداوند در روز ششم مخلوق
جدید را از خاک زمین ساخت

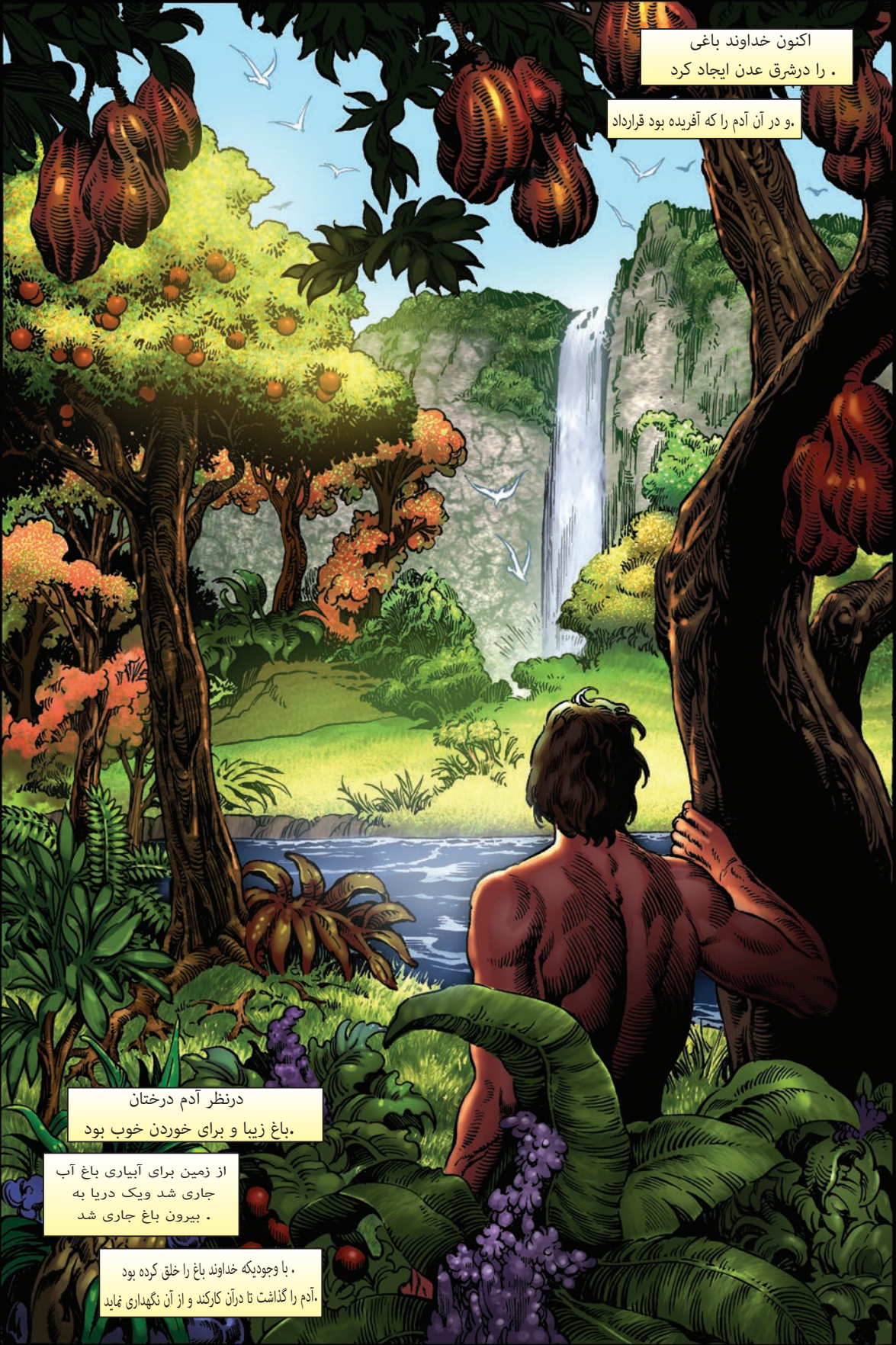


خداوند زندگی را به بدن خاکی آدم دمانید و آدم موجود
.. زنده شد

آدم به شباهت خدا و برتر از حیوانات خلق شد

خداوند مرد
.. را آدم نامید

.. آدم زیباتر از تمام مخلوقات معلوم میشد
.. خداوند فرمود بسیار عالی است



الکون خداوند باغی
را در شرق عدن ایجاد کرد

و در آن آدم را که آفریده بود قرارداد

درنظر آدم درختان
باغ زیبا و برای خوردن خوب بود

از زمین برای آبیاری باغ آب
جاری شد و یک دریا به
بیرون باغ جاری شد

با وجودیکه خداوند باغ را خلق کرده بود
آدم را گذاشت تا در آن کار کند و از آن نگهداری نماید

در وسط باغ دو درخت وجود داشت .
یکی آن درخت زندگانی بود که زندگی جاودان می بخشید
دیگری آن درخت شناخت نیک و بد بود

خداوند به آدم گفت تو میتوانی از میوه تمام
درختان باغ بخوری اما به او شدیداً " هشدار داد





تو نباید از میوه درخت شناخت
نیک و بد بخوری . اگر خوردی
مطمئن باش که خواهی مرد

خداوند تمام حیوانات خشکه و پرندگان
.. را که از خاک زمین خلق کرده بود

نزد آدم آورد تا ببیند چه
نام های بالایشان میگذارد





آدم همواره این فرصت را داشت تا با خداوند رفاقت نزدیک داشته و مستقیم با او صحبت نماید .



خداوند اشتیاق قلب آدم را دید و گفت شایسته نیست که آدم تنها بماند .

سپس خداوند قدم بزرگ پلانش را در خلقت، آشکارساخت

خداوند آدم را به خواب عمیق برد، هنگامیکه



او خواب بود یکی از (دنده هایش) استخوان قبرغه را گرفت .

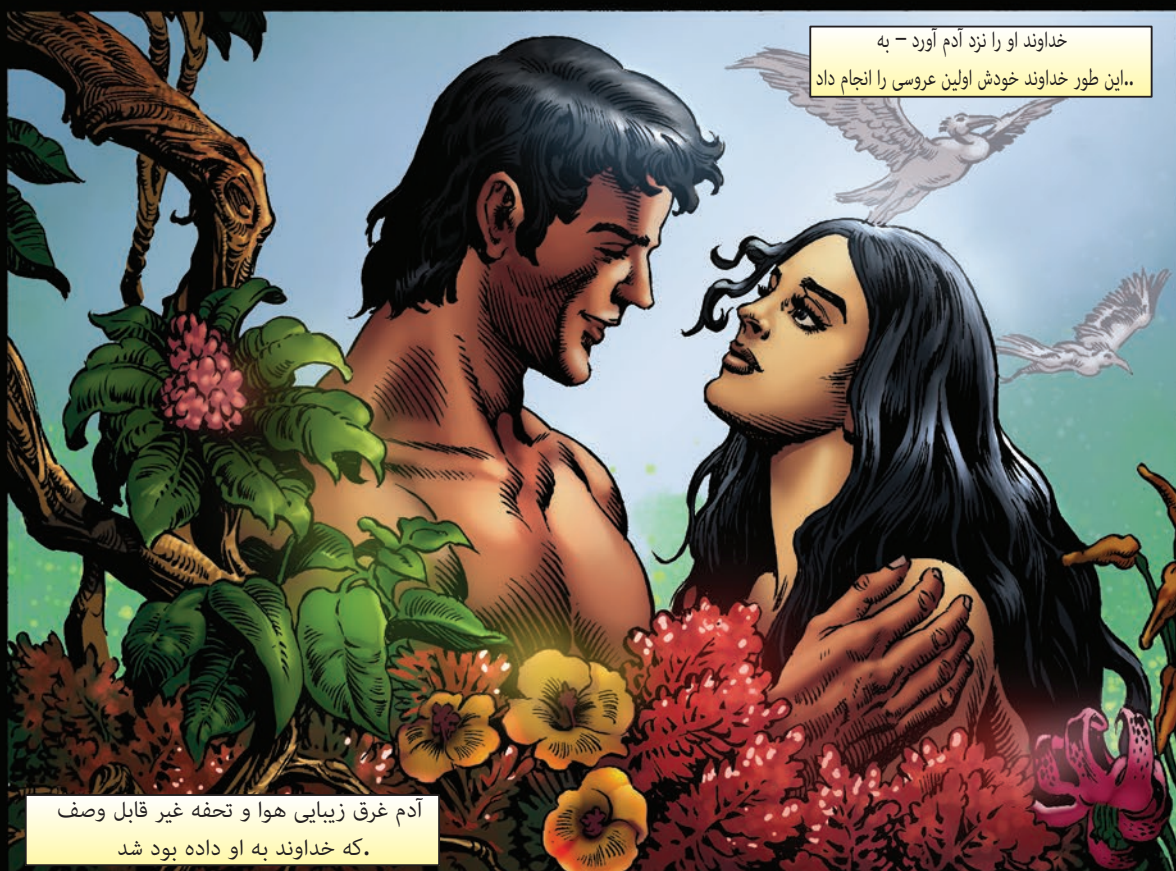
و از آن دنده اولین زن را سرشت .



خداوند او را نزد آدم آورد

او از هر جهت برای
آدم کامل بود

آدم زن زیبای خود
را هوا نام گذاشت



خداوند او را نزد آدم آورد - به
این طور خداوند خودش اولین عروسی را انجام داد

آدم غرق زیبایی هوا و تحفه غیر قابل وصف
که خداوند به او داده بود شد

شیطان یکی از فرشتگان سقوط کرده
کوشش کرد تا پلان عالی خدا را خراب کند

شیطان تماشا کرد و انتظار یک فرصت
را داشت تا کار زیبای خداوند را خراب کند

او درباغ عدن داخل مار شد
و از طریق او با هوا صحبت کرد

اولین چیزیکه خواست انجام بدهد این
سوال بود که خداوند چه گفته بود

آیا واقعا "خداوند گفته که از تمامی
میوه های باغ نباید بخورید

هوا کاملاً "آگاه بود چیزی را که
خداوند به آنها گفته بود تکرار کرد

ما میتوانیم از میوه تمامی درختان باغ بخوریم به
جز از درخت که دروسط باغ است حتی لمس هم نکنید
اگر کردید شما خواهید مرد

شیطان یک دروغ بزرگ گفته تا حوا خوبی
و صفات خدا را زیر سوال ببرد







این چه کاری بود
که تو کردی؟



کجا هستید؟

صدای شما را دریاغ
شنیدم و ترسیدم چون
برهنه بودم خود
را پنهان کردم

کی به شما گفت
که
برهنه هستید؟

از میوه درختی خوردی که
به تو گفته بودم نخوری؟

زنی را که تو به من دادی از میوه
درخت به من داد و من هم خوردم



مرا مار فریب داد، اوبه من گفت
که من نمی‌میرم، مانند شما میشوم

او به من
.... دروغ گفت

به خاطر کارکه کردید دربین تمام
حیوانات ملعون
هستی، تمام عمر به سینه خواهی
خزید و خاک خواهی خورد

بین نسل تو....
و نسل زن

او فرق ترا خواهی
کوبید و تو پاشنه پای
اورا خواهی زد



بین تو و زن
... خصومت میگذارم

دراین جاست که خداوند وعده میدهد که نسل زن
، درجنگ، درآینده شیطان را شکست خواهد داد
، و بشریت را از گناه و مرگ رهایی خواهد داد

خداوند میتواندست شیطان و تمام فرشتگان را
که او را پیروی کردند نابود کند، اما خداوند
، برای امتحان انسان ها اجازه داد تا آنها زندگی کنند
، تا ببیند که کی از سرکشی و شرارت شیطان پیروی میکند



اکنون لعنت گناه در نسل
بشر فعال و زنده بود.

من با اطمینان درد زایمان ترا زیاد
میکنم و تو با درد اطفال خواهی آورد

تو مشتاق شوهرت خواهی بود
و او بر تو تسلط خواهد داشت



چون تو به سخن زنت گوش دادی و از
میوه درختی خوردی که به تو فرمان داده بودم
که نخوری، زمین زیر لعنت قرار خواهد گرفت

تمام عمر با رنج و زحمت کسب
معاش خواهی کرد

از زمین خار و خاشاک
.. برایت خواهد روئید

تا آخر عمر از عرق پیشانی ات نان خواهی
خورد و سرانجام به خاک خواهی گشت
چون از خاک سرشته شدی

از خاک گرفته شدی
و به خاک باید برگردی



اولین قربانی در تاریخ بشریت، قربانیست که خداوند دو
حیوان را کشت و از پوست آنها برای پوشش انسانهای
سقوط کرده استفاده کرد، ثبت شده است

این یک توضیح تصویری بود که تنها خداوند
میتواند پوشش مناسب برای گناه تهیه کند
که ریختن خون بخش ضروری مرحله آن است

در این جاست که کتاب مقدس نظراجمالی دیگری را نسبت
به تعالی بودن خدا را، در سه شخص به ما میدهد
صحبت نمائید و ببینید که سپس چه اتفاق می افتد

آدم که کنون شبیه ما شده
و خوب را از بد تمیز میکند
او نباید نزدیک درخت حیات شود و از
آن بخورد و برای ابد زنده ماند
به او اجازه نخواهم داد



بنابرین خداوند آنها را از
بودن در باغ عدن ممنوع کرد

او نمی خواست تا برای ابد در
وضعیت گناه آلود شان زندگی کنند

بعد از بیرون راندن آنها از باغ عدن ، یک فرشته
را با شمشیر شعله ور گهاشت تا راه درخت زندگی را محافظت کند





نا اطاعتی از خدا اولین پیامد
های درد آور به بار آورد
پیدایش 3: 23-24

آدم و هوا بیرون از باغ عدن
در خانه نو شان اولین فرزند خود
قاین را به دنیا آوردند



سپس پسر دوم شان هابیل را به دنیا آوردند

آنها پسران و دختران دیگر هم داشتند
که بزرگ شدند و فامیل های
خودشان را تشکیل دادند



آدم و هوا بعنوان اولین خلقت، از لحاظ ژنتیکی
کامل بودند که در نتیجه دارای زندگی طولانی
صد ها سال بودند

در آغاز خانواده ها با اقارب نزدیک شان ازدواج کردند
تغییر پیدایشی که سبب بدشکلی یا نقص پیدایشی شود هنوز در رحم زن بوجود نیامده بود

بعداً "بوسیله موسی، خداوند ازدواج
با اقارب یا را ممنوع قرار داد



همچنان در محیط زیست قبلاطوفان، زمین
را یک سایبان آب احتمالی پوشانده بود، بیشتر بطور صحی
اشعه ماورا بنفش را فلتریا تصفیه میکرد

به سبب محل ژنتیکی غیرقابل وصف و عمر
طولانی، نفوس بشر مکرراً "شروع به زیاد شدن کرد



پسروانتر هابیل
گله {مواشی} دار شد



چنانچه که قاین وهابیل بالغ شدند
قاین درزمین زراعتی کار میکرد



خداوند به زن وشوهرو اطفال شان نشان داد تا
. به عنوان یادآوری قربانی گناه چگونه قربانی کنند

. چوپان بودن و دهقان بودن هردوشغل با عزت بود
هابیل و قاین به طریقه های مختلف قربانی های شانرا به خداوند آوردند



قاین به طریق خودش
ازحاصل زمین آورد



قربانی هابیل بهترین نخست زاده
از گله ای او بود . از عمق دلش
....برای خداوند بود

قربانی هابیل را خداوند پسندید . اما قربانی
قاین مورد پسند خداوند واقع نشد

و این روشی بود که خداوند
. به آنها نشان داده بود



اما هیچ چیزی از نظر خداوند پنهان نیست ، هرکاری را که ما انجام می دهیم او می داند و می بیند .

خداوند آمد و از
.....قاین سوال کرد



من چه میدانم، آیا من
نگهبان برادرم هستم ؟



برادرت هابیل
کجاست ؟



اکنون ملعون هستی ، از زمین که
دهن بازکرده و از دست تو پر خون شده
بیرون رانده خواهی شد .



تو چه کردی ؟
بشنو خون برادرت
از زمین به سوی من
فریاد میزند .



چنین نخواهد شد هرکسیکه
ترا بکشد مجازاتش هفت
برابر خواهد بود



مجازات من سنگین تر از آن
است که بتوانم تحمل کنم
امروز مرا از این سرزمین و حضور
خودت بیرون میرانی

و مرا در جهان آواره و پریشان
میسازی ، و هرکسیکه مرا بیابد
خواهد کشت



، و قتیکه در زمین کارکنی
دیگر چنانچه که بخواهی
حاصل نخواهد داد

، قاین کسیکه خوش داشت دهقان باشد
. حالا آواره و پریشان است

زن قاین حامله شد و فرزندى بدنيا آورد و او را خنوخ ناميدند.

آآآهااااا

قاین مشغول ساختن یک شهر بود و اسم آن شهر را خنوخ به نام پسری خود گذاشت

هترفلز بوسیله نسل های او بوجود آمد در کوره آهنگری از آهن و برنج اسباب ساخته شد

بعضی از آنها آلات موسیقی را میساختند و مینواختند

نسل او به شغل های مختلف آغاز به کارکردند

بعضی از آنها درخیمه ها زندگی میکردند و مواشی را بزرگ و تربیه می نمودند

خداوند به آدم و هوا پسر دیگری شیث را به
جای هابیل داد که کشته شده بود



از نسل شیث بود که خداوند وعده داد، که یک
روز رهایی دهنده [نجات دهنده] یعنی مسیح خواهد آمد



در اولین نسلها جامعه و
فرهنگ شروع به رشد کردند

با زیاد شدن مردم
گناه هم بیشتر شد



برخی مردم برای رحمت، امید و یک رابطه
بنا شده بسوی خدا رجوع کردند

اما بسیاری از جوامع بسیار سرکش و مردمش بد اخلاق شدند

از فلزات که اسباب ساختند، همچنان اسلحه برای کشتن و صدمه زدن شکل گرفت

فکرهای شان گنااود بود و هیچکس با درستکاری زندگی نمی کرد

مردم دست به برده داری زدند

آدم مرتکب یک
گناه شد ، اما نسل او
گناهان پیشماری کردند

خداوند از خلق کردن
بیشر محزون گردید
و قلب او پر درد شد

خداوند مقدس و بی عیب است
اکنون بوسیله گناهان بزرگی که در روی
زمین بود . عمگین شده بود

او قصد داشت تا تمام حیوانات و
انسان را که خلق کرده بود از
روی زمین پاک کند

اما یک مرد در نظر
خداوند پسندیده آمد



"THE BIBLE EXPLAINED
IN EVERY LANGUAGE."



SUPERBIBLE.TV